

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۲-۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مهدویت و دلالت های تربیتی آن (به لحاظ تنظیم اهداف، اصول و روش ها)*

دکتر حکیمه السادات شریفزاده

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

مرضیه قاضی

کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مازندران

چکیده

این مقاله با توجه به اهمیت مسئله مهدویت که از مسائل مهم روز در جامعه می باشد و ارتباط مستقیم با زندگی فردی و اجتماعی دارد، این موضوع را با نگاه تربیتی بررسی کرده است. در پژوهش حاضر اهداف، اصول و روش های تربیت مهدوی بیان گردیده است. روش تحقیقی این پژوهش، تحلیلی-استنتاجی می باشد که به روش کتابخانه ای اطلاعات جمع آوری و با تحلیل آن ها، اهداف پژوهش استنتاج شده است. از میان آیات و روایاتی که در مورد امام عصر (عج) و یارانشان بیان شده، هدف هایی مانند رابطه فرد با خدا، خویش، طبیعت و جامعه، اصول تربیتی توحید، عزت و روش هایی همچون روش محبت و روش الگویی، استخراج و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که تعلیم و تربیت در جامعه منتظر، باید بر پایه تعلیم و تربیت مهدوی و بر اساس آموزه های دینی و باورهای اسلامی شکل گیرد. با دقت در آیات و روایات این نتیجه به دست آمد که قیام حضرت مهدی (عج)، نیاز به یاران و انصاری دارد که باید با اصول تربیت اسلامی پرورش یابند، پس باید برای تربیت نسل های منتظر، دلالت های تربیتی مهدویت مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: مهدویت، تربیت اسلامی، اهداف تربیتی، اصول تربیتی، روش تربیتی

۱- مقدمه

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۹

hakimehsharifzadeh@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۱۸

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، ایده‌ای فراگیر و همگانی است. این ایده ریشه قرآنی دارد. همزمان با پیدایش تمدن در عرصه زندگی اجتماع، صعود به مدینه فاضله و فراهم نمودن زمینه برای حکومت عدل جهانی، ذهن انسان‌های نیک‌اندیش و تحت ستم را به خود معطوف نمود و تدریجاً این ایده به صورت یک آرمان فراگیر تبدیل گردید. اعتقاد به ظهور منجی، همواره مورد توجه ادیان توحیدی بوده است. در میان ادیان توحیدی، دین اسلام و در بین مسلمانان، شیعه تنها نحله‌ای است که به طور سازمان‌یافته و نظام‌مند به این موضوع پرداخته است (صمدی، ۱۳۸۶: ۴۸).

یکی از دقیق‌ترین اسلام‌شناسان غربی که درباره نظام فکری اسلام و شیعه و فلسفه اسلامی پژوهش نموده، هانری کربن فرانسوی (۱۹۰۳-۱۹۷۸) است. وی معتقد است یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین عناصر حکمت معنوی فکر شیعه، اعتقاد به مسئله امامت است که تجلی آن بر عصر ما، مهدویت می‌باشد؛ از این رو نکات قابل تأملی را درباره مهدویت مطرح می‌سازد. او برخلاف بسیاری از دین‌پژوهان غربی، نگرش مثبت و همدلانه‌ای نسبت به مهدویت ارائه می‌دهد و به اهمیت این مبحث اذعان دارد (موسوی گیلانی، ۱۳۸۷: ۳۰). کربن، مهدویت را بنیان معرفت‌شناسی شیعه و رکن اساسی رویکرد عرفانی و حکمت معنوی شیعه تلقی می‌کند. او معتقد است مهدویت یک مؤلفه و آموزه دینی نیست؛ بلکه رکن و ستون معرفت‌شناسی شیعه است (همان: ۲۱).

شهید مطهری معتقد است: «آرمان قیام و انقلاب مهدی (ع)، یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این که الهام‌بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آئینه بسیار مناسبی برای شناخت آرمان‌های اسلامی می‌باشد. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان‌بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۰).

یکی از برنامه‌های باورداران به ظهور منجی موعود(عج)، داشتن زندگی مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی است. امام زمان(عج)، الگو و اسوه کاملی برای داشتن یک زندگی الهی و شایسته است که با اقتدا و تأسی به او، می‌توان روزنه‌های کامیابی و موفقیت را به روی فرد و جامعه گشود.

۱-۱- بیان مسئله

در تمام اصول و روش‌های زندگی، باید برنامه‌هایی در جهت صحیح زیستن نسل‌ها وجود داشته باشد تا بر اساس هدف خلقت و آفرینش و طبق دستورات برترین دین الهی حرکت کنند. خداوند، حضرتش را ظاهر خواهد ساخت و دولت حق محور و عدالت‌گرا را بر جهان حاکم خواهد کرد؛ اما عملکرد منتظران ظهور، در ایجاد و تحقق این وعده الهی می‌تواند مؤثر باشد؛ چراکه سعادت افراد و گروه‌ها در عصر غیبت، بستگی به میزان تأثیر آن‌ها در فرهنگ انتظار و مهدویت و تحقق وعده الهی دارد. تعلیم و تربیت در عصر انتظار، به یقین باید بر اساس اندیشه کامل و جامع مهدویت و بهره‌مندی از معارف و ذخایر بیکران علمی آن باشد؛ الگوی اصلی آن، آینده‌نگرانه و مبتنی بر آموزه‌های تربیتی «مهدویت» باشد. قبل از ورود به این موضوع به مفاهیم تربیت و مهدویت اشاره می‌شود.

تربیت، در اصل، عربی و مصدر تفعیل است. این واژه از ریشه «ربو» به معنای زیادت، فزونی، رشد، پرورش، تدبیر و اصلاح است. اصل و ریشه این واژه، از «رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور و منعم گرفته شده است؛ همچنین اصلاح‌کننده و تربیت‌کننده هر چیز رارب» گویند(آقاتهرانی و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۶). به‌طور کلی آنچه از واژه تربیت می‌توان استنباط کرد، این است که تربیت، ایجاد کردن یا فعلیت بخشیدن استعدادها بالقوه انسان در جهت کمال مطلوب می‌باشد.

مهدویت، از لحاظ واژه‌شناسی، از ریشه «هدی» گرفته شده و مصدر جعلی مهدی (اسم مفعول) به معنای «هدایت‌شده» است(احسانی، ۱۳۹۰: ۷۵). مهدویت مصدر جعلی مهدی، به معنای مهدی بودن است. در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی(ع) را گویند که

از جمله معتقدات اصولی شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است (تونه ای، ۱۳۸۸: ۷۱۱).

هرچند به صورت عام در باب منجی و مصلح جهانی و به صورت خاص درباره ظهور مهدی موعود آثار زیادی نوشته شده؛ به گونه‌ای که کتاب‌ها و مقالات قدیم و جدید در این موضوع قابل شمارش و بررسی نمی‌باشد؛ ولی در خصوص زمینه‌سازی مهدویت و ظهور امام مهدی (عج) با نگرش تربیتی کمتر نگارش شده است و از این نظر جای بحث و پژوهش دارد که با رویکرد تربیتی به موضوع مهدویت نگریده شود و تحقیقی هرچند مختصر در این مورد صورت گیرد که دلالت‌های تفکر مهدویت از لحاظ تنظیم اهداف، اصول و روش‌های تربیتی چه می‌باشد؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در اینجا اشاره کوتاهی به پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه می‌شود.

زهره فاتحی پیکان، (۱۳۷۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تأثیر انتظار فرج امام عصر (عج) در تربیت»، رهنمودهای امام مهدی (عج) را که در قالب دعا بیان شده است، سرلوحه و مبنای کار رساله‌اش قرار داده است.

عیدی کرد علیوند (۱۳۸۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «وظایف شیعه در دوران غیبت امام زمان (عج)» به موضوعاتی هم چون، هدف انبیاء و علت محقق نشدن حکومت عدل، حضرت مهدی (عج) و تیرگی جهان در غیبت کبری، حضرت مهدی (عج) و تیرگی جهان در غیبت کبری، انتظار و مفهوم آن، وظایف منتظرین (وظایف شیعه در دوران غیبت کبری)، تمامی صفات و ویژگی‌های حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج)، مفهوم انتظار واقعی و وظایف منتظرین از نظر روایات و کتب معتبر در آن توضیح داده شده است.

حسن فدائی (۱۳۸۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در تعلیم و تربیت»، به موضوع تأثیر مهدویت در تعلیم و تربیت می‌پردازد. در این پژوهش، همچنین به ویژگی‌های انسان منتظر و روش‌های تربیت نسل منتظر اشاره شده است. هدف کلی این پژوهش، بررسی تأثیر اعتقاد به مهدویت در تعلیم و تربیت و هدف

جزئی آن فراهم نمودن متنی در زمینه تربیت اسلامی می‌باشد. محقق نشان می‌دهد که اعتقاد به مهدویت در تعلیم و تربیت تأثیر بسزایی دارد و نهایتاً از مجموع نتایج فوق چنین برمی‌آید که اگر جامعه‌ای در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن می‌شوند.

سمیه نیکوگفتارظریف (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی فلسفه مهدویت و تأثیر آن بر تربیت انسان بر اساس روایات»، با استفاده از کتب مرتبط با موضوع به بررسی ماهیت هدف و چگونگی تحقق مهدویت پرداخته و سپس دلالت‌های تربیتی ناشی از اعتقاد به مهدویت را در دو گروه فردی و فردی اجتماعی استخراج نموده است.

علی اصغر کیانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان: «تربیت نسل منتظر» بیان داشته است: تربیت نسل منتظر بر اساس آموزه‌های دینی و باورهای اسلامی در مسیر انتظار و توأم با فرهنگ مهدوی، منتظر را در راستای آرمان والا قرار می‌دهد. اهمیت نسل منتظر بر اساس آموزه‌های دینی و باورهای عمیق مهدوی، وقتی روشن‌تر می‌شود که با دقت در آیات و روایات این امر به دست می‌آید که قیام حضرت مهدی نیاز به یاوران تربیت یافته‌ای دارد. در این مقاله همچنین راهکارها و رویکردهایی برای تربیت نسل منتظر ارائه شده است تا اینکه از تربیت مهدوی و زیبایی‌های انتظار برخوردار شوند.

غلامرضا صالحی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان: «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام» کوشیده است اصول تربیتی برآمده از قوانین اسلامی و قرآنی را بیان کند. از مباحث اصلی این مقاله، جایگاه اصول در یک نظام تربیتی، اصل خدامحوری، توجه به جهان آخرت، میانه‌روی در خواش‌ها و... می‌باشد؛ همچنین در نتیجه آمده است که در هر مکتب تربیتی باید اصول و مقرراتی را رعایت کنیم تا آن را از آشفستگی و بی‌نظمی نجات دهیم و فرایند تربیت را قانونمند سازیم. رعایت تفاوت فردی در تربیت انسان‌ها و همچنین

توجه به توانایی‌ها و استعداد‌های افراد در مسئولیت بخشی، از دیگر اصول تربیتی مهدوی به شمار می‌رود. در این مکتب، انسان‌ها بر اساس نوع استعداد و ظرفیت خود مورد تکلیف قرار می‌گیرند و با هر فردی با توجه به میزان مهارت‌های جسمی و روحی وی، رفتار می‌شود.

در تحقیقات انجام شده درباره مهدویت، بیشتر مسئله انتظار و ابعاد آن و همچنین ویژگی امام عصر(عج) و یارانشان مورد بررسی قرار گرفته و موارد معدودی موضوع تربیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در ارتباط با اصول و روش‌های تربیتی و کاربردی کمتر کار پژوهشی انجام یافته است. در این پژوهش، برخی آیات و روایات مربوط به ویژگی‌های امام عصر(عج) و یارانشان از جنبه تربیتی مورد بررسی قرار گرفته و در قالب شاخصه‌های تفکر مهدوی، دلالت‌های آن(اهداف، اصول و روش‌ها) مطرح گردیده است.

۱-۳- روش تحقیق

این پژوهش، یک تحقیق کیفی به شمار می‌آید و روش آن به صورت تحلیلی-استنتاجی است؛ به این صورت که یافته‌های تحقیق در رابطه با سؤالات پژوهشی، جمع‌آوری شده و سپس انتخاب و متمرکز گشته و در مرحله بعد اطلاعات به دست آمده طبقه‌بندی شده و جزئیات بررسی گردیده است و در نهایت به صورت زنجیره‌ای از شواهد و ایجاد رابطه منطقی میان مطالب، نتیجه‌گیری شده است.

به منظور دستیابی به داده‌های مورد نظر، از روش مطالعه و بررسی متون و آثار تألیفی منابع اولیه و ثانویه در خصوص تربیت و مهدویت استفاده شده است. منابع اولیه که اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین منابع به موضوع مورد بررسی است، نوشته‌های مربوط به آیات و روایات تربیت اسلامی و مهدوی است. منابع ثانویه شامل کتاب‌ها، آثار، مقاله‌ها و نوشته‌هایی است که به وسیله نویسندگان و محققان و صاحب‌نظران دیگر درباره موضوع اصلی تحقیق به رشته تحریر درآمده است. داده‌های گردآوری شده، بر اساس روش

استنتاجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با توضیح مفاهیم و بررسی شرط‌های لازم، به تحلیل مفاهیم و استنباط اهداف تحقیق پرداخته است.

۲- بحث و بررسی یافته‌های تحقیق

۲-۱- اهداف تربیت بر مبنای تفکر مهدویت چیست؟

از منظر اصطلاحی، هدف را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: هدف، نقطه‌ای است که انسان به طرف آن حرکت می‌کند و جهت زندگی و کوشش‌های انسان را روشن می‌سازد (احمدی، ۱۳۶۸: ۵۹). بی‌تردید، از هر مسیر و با هر برنامه‌ای نمی‌توان به هدف رسید و برای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی و ترسیم هدف ضرورت دارد؛ بنابراین، یکی از خصوصیات هدف، داشتن مدیریت و برنامه‌ریزی و تعیین مسیر است. هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد؛ بنابراین، هدف‌های تربیتی دارای سه کارکرد هستند: رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد، ارائه معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های تربیتی (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵).

در فرهنگ مهدوی نیز، انسان دارای اهداف تربیتی هست. از دیدگاه تفکر مهدویت، انسان باید به‌گونه‌ای تربیت شود که تمامی کارها و فعالیت‌هایش رنگ و بوی معنوی و الهی داشته و هدف اصلی او کسب رضای الهی باشد و از تکامل روحی و عرفانی غفلت نکند. توسعه چنین هدف مقدسی، در میان بشریت، سعادت و حیات طیب را برای آنان به ارمغان خواهد آورد (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). مواردی از آیات و روایات مرتبط با حضرت مهدی (عج) به نحوی ناظر به هدف‌ها است؛ یعنی نشانگر وضعیت‌هایی در ارتباط با انسان است که می‌توان آنها را متحقق ساخت. بررسی بین آیات و روایات آشکار می‌کند که می‌توان از فلسفه مهدویت به‌خوبی در زمینه اهداف تربیتی استفاده نمود. اهداف تربیتی

نظام تعلیم و تربیت اسلام و مهدویت را با توجه به روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، به چهار نوع اساسی می توان تقسیم کرد:

۲-۱-۱- اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به خداوند

در میان اهداف کلی، اصلاح رابطه انسان با خدا اساسی ترین هدف است؛ زیرا تا رابطه انسان با خدا اصلاح نشود، هیچ امری به درستی اصلاح نمی شود و چون این رابطه، اصلاح شود، اصلاح دیگر امور به درستی ممکن می شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در «حکمت ۸۹» نهج البلاغه در این باره فرمودند: «هر که [رابطه] میان خود را با خدا اصلاح کند، خدا [رابطه] میان او و مردم را اصلاح کند، و هر که کار آن جهان خود را به صلاح در آورد، خدا کار این جهان او را اصلاح کند»

گسترش شناخت و معرفت الهی به طور همگانی در میان مردم از اصلی ترین اهداف مکتب تربیتی حضرت مهدی (ع) است که به واسطه آموزه های ناب مهدوی می توانند بالاترین معرفت را به خداوند متعال پیدا کنند؛ چنانچه از امیرالمؤمنین علی (ع) درباره آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ (برای آنکه او را بر همه دین برتری بخشیده، آمده که فرمود: این اتفاق در زمان قائم می افتد) (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۵۲، ۶۱). همچنین از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

«... إذا قام القائم لا يبقى أرض إلّا نودی فیها شهادة أن لا اله الا الله و أن محمد رسول الله...» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۵۲، ۳۴۰)؛ تا جایی که هیچ آبادی نمی ماند مگر اینکه هر صبح و شام بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله در آن بلند شود.

به طور کلی می توان گفت شناخت و ایمان به خداوند، نقطه آغاز ایمان مذهبی است. در حقیقت تمامی آثار اعتقاد مذهبی، نتیجه ایمان به خداوند عالم است و چون بعثت انبیا علیهم السلام از سوی خداوند متعال برای تربیت انسان بوده است؛ می توان نتیجه گرفت که تمامی آثار مذهب در حقیقت، نوعی اثر تربیتی دارد و به دست آمدن این آثار بدون شناخت خداوند متعال و اعتقاد به آن وجود مقدس امکان پذیر نیست (الهام نیا و

محمدی، ۱۳۷۶: ۴۳). برای اینکه بتوانیم تربیت اسلامی داشته باشیم، باید روح خداپرستی و خداشناسی را در متربی پرورش دهیم و او را با خدایش آشنا سازیم و در حد ممکن دستورات الهی را در جامعه حکم فرما کنیم.

۲-۱-۲- اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان به خود

انسان نسبت به خودش نیز، مسئولیت خطیری دارد و باید وظایفی در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری وجود خویش انجام دهد که هدف تربیتی ارتباط انسان با خودش را تشکیل می‌دهد؛ بدین معنا که انسان خود را بشناسد و استعدادهایش را در جهت تکامل و سعادت خویش به کار گیرد. انسان در مسیر زندگی خود-در هر جهتی که باشد - جز خیر خود و سعادت زندگی‌اش همی ندارد و برای این منظور، باید نظر و عمل خود را اصلاح کند؛ به گونه‌ای که بر او عقل حکومت کند، نه نفس و عمل خود را مطابق با واقع و نفس الامر و غایتی که ایجاد و صنع برای آن بوده است، مطابق و سازگار کند. نفسی که با چنین عملی طلب کمال می‌کند، نفسی سعید و نیکبخت است و پاداش تمام زحمتهایی که متحمل شده و کوشش‌هایی را که انجام داده است، درمی‌یابد و ضرر و خسارانی نمی‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۸۵). در نظام تربیتی اسلام و مهدویت که به یک مورد آن اشاره می‌کنیم:

کسب ایمان و فضایل اخلاقی: از دیگر اهداف تربیتی در مورد وظایف انسان نسبت به خود، این است که آدمی سعی کند روزبه‌روز ایمان و اعتقاد و اخلاق خود را کامل تر گرداند و با تهذیب و خودسازی، خود را به صفات الهی آراسته سازد و حق خلیفه‌اللهی را به‌خوبی به‌جا آورد (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). رستگاری یا حرمان آدمی به تزکیه نفس یا آلودگی آن برمی‌گردد. انسان برای رسیدن به سعادت حقیقی، باید برای اصلاح خود اهتمام ورزد و به‌هیچ‌وجه از این امر غفلت نرزد که اصلاح خود بهترین اصلاحات است؛ چنانکه از امیرالمؤمنین وارد شده است: «سِیَاسَةُ النَّفْسِ أَفْضَلُ سِیَاسَةِ» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۹۱)؛ (تربیت نفس برترین تربیت هاست).

از امام باقر(ع) درباره دوران ظهور روایت شده که فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَع يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ» (مجلسی، ۱۳۸۴ ق، ج ۵۲: ۳۳۶)؛ (هرگاه قائم ما به پا خیزد، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می دهد، سپس عقل هایشان جمع و اخلاقشان کامل می گردد). که نشان دهنده اهمیت اخلاق در دوران ظهور می باشد.

۲-۱-۳- اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به جامعه

در مکتب تربیتی اسلام و مهدویت، با توجه به شأن و جایگاه خاص هر انسانی، مردم در مقابل یکدیگر مسئول هستند و در ارتباط خود باید اهداف خاصی را دنبال کنند؛ همچنین مردم مسئولیت دارند حدود الهی را رعایت کنند و از مرزهای آن تعددی و تجاوز نکنند و تکالیف خود (در رابطه با خود و دیگران) را با توجه به دستورات الهی ادا کنند.

امام صادق(ع) درباره ویژگی یاوران امام زمان (عج) در زمان ظهور می فرماید: «و یقیم حدود الله... و یحکم بحکم الله...» (مجلسی، ۱۳۸۴ ق، ج ۵۲: ۳۱۱)؛ (و حدود الهی را اجرا می کند... و به حکم الهی، حکم می کند...). در مکتب مهدوی حدود الهی رعایت می شود و به حکم خداوند عمل می شود. همان طور که خداوند در «سوره مائده، آیه ۲» می فرماید: «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى...»؛ (و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید). در مکتب مهدوی، مردم به گونه ای از آموزه های الهی بهره می برند که بر اساس وظایف و مسئولیت شان، روابط حسنه و نیکویی میان مردم برقرار می شود و وظیفه شناسی و ایجاد روابط الهی و انسانی در میان مردم رونق خواهد گرفت.

۲-۱-۴- اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به طبیعت

یکی از خصوصیت های نظام تربیتی مهدوی، این است که بشریت با افزایش معرفت و دانش به شناخت کاملی از جهان و طبیعت دست می یابد و با چنین شناختی، به وجود خداوند و قدرت الهی پی می برد و برای حضور در اجتماع و نقش آفرینی مثبت و شایسته در مسیر قرب الهی قدرت بیشتری پیدا می کند. حضرت امام علی(ع) درباره شناخت گسترده طبیعت و بهره برداری کامل از آن در ایام ظهور چنین می فرماید: «... وَ تُخْرِجُ لَهُ

الأَرْضُ أَفَالَيْدَ كَبِدِهَا، وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدِهَا..» (خطبه ۱۳۸)؛ (و برای او) حضرت مهدی(ع) آنچه در اعماق زمین است، خارج می‌شود و همه امکانات خود را برای او (به واسطه شناخت طبیعت) ظاهر می‌سازد. انسان با شناخت طبیعت و به کارگیری منابع موجود در طبیعت، می‌تواند آینده‌ای روشن را برای خود و دیگران رقم بزند؛ به طوری که از این امکانات خدادادی در جهت رشد معنوی و تربیت هر چه بیشتر خود بهره جوید.

۲-۲- اصول تربیت بر مبنای تفکر مهدویت چیست؟

«اصل»، در علوم کاربردی، به صورت قضیه‌ای بیان می‌شود که حاوی «باید» است؛ درحالی که در علوم نظری و تجربی، به شکل قضیه‌ای حاوی «است» اظهار می‌شود. بر این اساس، هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، باید خود را محدود به بیان قواعدی کنیم که به منزله راهنمای عمل، تدابیر تعلیمی و تربیتی ما را هدایت می‌کنند. (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۷)؛ بنابراین، اصول تعلیم و تربیت ابزاری است برای مریان که با استفاده از آن می‌توانند به موقع تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی انجام دهند (شکوهی، ۱۳۷۸). این اصول می‌تواند بر پایه آموزه‌های دینی و پژوهش‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و دانشمندان تعلیم و تربیت تنظیم گردد (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

اصول و قوانین تربیتی مهدویت، از ارزش‌های الهی گرفته شده است. چنین ارزش‌هایی، می‌تواند سعادت واقعی بشر را تضمین کند. بی‌شک اگر متصدیان تربیتی به این اصول توجه کنند، می‌توانند انسان‌ها را به مسیر ایدئال تربیتی رهنمایی کنند و راه رستگاری آنان را فراهم سازند. باید گفت اگر بی‌تردید اصول تربیت نظام ارزشمند حضرت مهدی(ع)، جانشین فرهنگ‌های ضد انسانی شود، همگی انسان‌ها از چشمه‌سار تربیت واقعی بهره‌مند می‌شوند که نتیجه آن چیزی جز سعادت دنیوی و اخروی بشر نخواهد بود. در این نوشته، چنداصل از اصول عام تربیت اسلامی و مهدوی مورد بحث قرار گرفته که عبارت‌اند از:

۲-۲-۱- اصل توحید محوری

خدا گرایی و توجه به توحید، ریشه و روح همه اصول تربیت است. توجه به خداوند و فرمان الهی، اصلی است که نظام های تربیتی توحیدی را از غیر جدا می سازد و به جای حاکمیت هوا و هوس، احکام الهی را بر متن و جوهره تربیت تزریق می کند. قرآن کریم، خدامحوری و دعوت کردن مردم به توحید را از مهم ترین برنامه های پیامبران الهی می داند و در این باره چنین می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ.» (نحل، آیه ۳۶)؛ (و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید]: خدا را پرستید و از طاغوت [فریب گر] پرهیزید).

در واقع چنین می توان گفت که انسان برای دست یافتن به یک تربیت الهی و توحیدی و به جای آوردن وظیفه خلیفه اللهی خود، پا به عرصه این جهان گذاشته است؛ چنانکه قرآن کریم هدف اصلی خلقت را بندگی و عبادت خداوند بزرگ می داند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۵۶)؛ (و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه مرا پرستند).

در اصول کافی آمده است، هشام سالم گفت: به حضرت صادق (ع) عرض کردم: «آفرینش خداوندی که مردم را بر آن آفرید» (روم، ۳۰) چیست؟ فرمود: «توحید است» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۱).

در نظام تربیتی مهدویت نیز، خدامحوری و توحید مداری در رأس برنامه های تربیتی حضرت مهدی (ع) قرار می گیرد. آن حضرت، برنامه های تربیتی فاسد طاغوتی را ویران می کنند و برنامه های منظم تربیت الهی را بنا خواهند کرد. بی شک می توان چنین گفت که اصلی ترین و کلیدی ترین عامل مخالفت دشمنان حقیقت و استعمارگران عالم، با نظام تربیتی حضرت مهدی (ع) این است که آنان دوست ندارند که اصل خدامحوری و حاکمیت احکام و فرمان الهی بر جهان حاکم شود.

امام باقر(ع) در تأویل و تفسیر آیه « وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ » (انفال، ۳۹)، این آیه را درباره حاکمیت توحید و احکام الهی به وسیله حضرت مهدی(ع) در عالم می‌دانند و خدامحوری و از میان بردن شرک و نفاق را از برنامه‌های اصلی آن حضرت معرفی می‌کنند و در این باره چنین می‌فرماید: «تأویل این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند، آن کس که زمان او را دریابد، تأویل این آیه را می‌بیند و هر آینه دین محمد(ص) و آیین توحیدی به هر کجا که شب می‌رسد، تسلط می‌یابد و در روی زمین اثری از شرک نخواهد ماند؛ همان‌گونه که خداوند وعده کرده است» (مجلسی، ۱۳۸۴ق، ج ۵۱: ۵۵).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که تربیت اسلامی و قرآنی می‌کوشد تا انسان‌ها را با خالق خود آشنا سازد تا آنان به وظایف بندگی خویش آشنا شوند و هر چه بیشتر خود را به اخلاق الهی بیاریند. اصل توحید، یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی هست که مربی در تربیت متربی نباید از آن غفلت ورزد و در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین اصل تربیتی نیز به شمار می‌رود.

۲-۲-۲- اصل تعقل

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم نفس انسان- که سبب برتری وی از سایر موجودات شده- همان برخورداری از قوه عاقله است. در میدان معارضه بین کشش‌های غریزی و گرایش‌های فطری، عقل همواره در مقابله و ستیز است. اگر هوای نفس و خواسته‌های غریزی بر عقل فائق آیند، موجب انحراف انسان از مسیر تکامل شده و اسباب سقوط و شقاوت ابدی وی را فراهم خواهد ساخت و اگر عقل بر هوای نفس و خواسته‌های غریزی تسلط یابد، موجب رشد و فلاح و رستگاری انسان خواهد شد (فرهادیان، ۱۳۷۵: ۷۷). قرآن کریم بارها انسان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند. خداوند، در قرآن کریم در «سوره بقره، آیه ۲۴۲» می‌فرماید: « وَ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. »؛ (بدین گونه،

خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که تعقل کنید،) همچنین در سوره رعد آیه ۳ خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (همانا کسانی که اهل فکر کردن نیستند، هرگز نمی‌توانند به آیات الهی پی ببرند).

از اینجا به خوبی می‌توان به ارزشمندی تفکر پی برد و فهمید که تنها در اثر برخورداری از اندیشیدن است که انسان‌ها می‌توانند به رموز و اسرار حیات و زندگی وقوف یابند و کسانی که اهل اندیشیدن نیستند، همانند چهارپایان کور و کر بوده و هرگز به حقایق و اسرار پی نخواهد برد (رشیدپور، ۱۳۸۵: ۶۸).

با توجه به آنچه گفته شد، از دیگر اصول تربیت در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع)، مسئله پیوند ناگسستنی تربیت با دستورهای عقلی و منطقی و کنار زدن مسائل متضاد با تدبیر بشری است. وجود عقل، یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار به انسان است. انسان شایسته می‌کوشد از این نعمت الهی به خوبی استفاده کند تا این‌گونه خود را به سعادت برساند. بدون تردید، توجه به عقل و منطق، از ویژگی‌های اساسی دین مقدس اسلام به شمار می‌رود. احکام اسلامی نیز، با عقل سلیم کاملاً همخوانی دارد. در تربیت انسان نیز، یکی از اصول تربیتی اسلام، همین است که همه فرایندهای تربیت باید با عقل مطابق باشد. انطباق کامل فرایند تربیت انسان با عقل و توجه کامل به این گوهر ناب موجود در انسان در آموزش و پرورش بشر، از دست آورده‌های بزرگ نظام تربیتی مهدوی (ع) است؛ به گونه‌ای که در دوران ظهور، عقل محوری در تربیت انسان (با پشتوانه دین و شریعت) به اوج می‌رسد و در چنین شرایطی، بهترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی به روی بشر بازخواهد شد. امام باقر (ع) درباره گرایش به عقل و منطق و شکوفایی عقلی بشری در مکتب مهدوی چنین می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَع يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ» (مجلسی، ۱۳۸۴ق، ج ۵۲: ۳۲۸)؛ (زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم

می‌گذارد و بدان وسیله عقل آنان را شکوفا ساخته و اخلاقشان را الهی می‌سازد). البته نباید فراموش کرد که اگر در تربیت اسلامی و مهدوی، از عقل‌گرایی و گرایش به آن در همه جنبه‌های تربیت، سخن به میان می‌آید؛ منظور همان عقل و منطق و تدبیری است که انسان‌ها به واسطه آن به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند. عقل، نوری است که در پرتو آن خداوند پرستیده می‌شود و بهشت به دست می‌آید.

۲-۲-۳- اصل عزت

اصل عزت، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیتی است؛ زیرا اساس تربیت بر عزت است و اگر فرد، با عزت رشد یابد و تربیت شود، به حالتی دست می‌یابد که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۰). قرآن کریم، یکی از نیازهای انسان را عزت طلبی می‌داند و سرچشمه عزت و شخصیت‌دنیایی و اخروی را نزد خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَيُّتَنُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۳۹)؛ (آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیال خام است] چراکه عزت، همه از آن خداست). بنابراین «عزت» بالاصاله از آن خداوند است و همه موجودات، ذاتاً فقیر و در نفس خویش ذلیل‌اند و مالک همه چیز برای خود نیستند مگر آنکه خدای متعال از سر رحمت خویش بهره‌ای از عزت به آنان بخشد؛ همچنان که فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸)؛ (خدای راست عزت بزرگی و ارجمندی) و پیامبر او و مؤمنان راست).

هر که از راه بندگی خدا عزت جوید، به عزت حقیقی رسد و خداوند او را استوار، نفوذناپذیر، راسخ و شکست‌ناپذیر سازد و این سنت اوست؛ چنانچه امیرالمؤمنین (ع) در «نامه ۵۳» نهج‌البلاغه فرموده است: «فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلُ بِبَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ»؛ (خداوند - که بزرگ است نام او - یاری هر که او را یاری کند پذیرفته است و عزت بخشی هر که او را عزیز دارد به عهده گرفته است).

بنابراین، انسان با تربیت الهی به عزتی حقیقی دست می‌یابد و محکم و نفوذناپذیر و راست قامت می‌شود و این بهترین اساس تربیت است. از برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی (ع) نیز، این است که در فرآیند تربیتی بشر، حرمت و عزت آنان کاملاً محفوظ بماند. در چنین مکتب تربیتی و اخلاقی است که کسی اجازه نمی‌یابد حرمت و شخصیت دیگری را زیر سؤال ببرد و با ظلم، تهمت، تمسخر، بیگاری و مانند آن، عزت و هویت مؤمنان را خدشه‌دار سازد.

بی‌شک عزت اسلامی و قرآنی مسلمانان جهان در چنین مکتبی آشکار خواهد شد؛ چنان که در «دعای افتتاح»، یکی از اقدامات اساسی حکومت آن حضرت، حرمت و عزت بخشی به مسلمانان معرفی می‌شود: «اللهم انا نرغبُ اليك في دولة كريمة تُعزبها الاسلامَ و اهلَهُ و تُذلُّ بها النفاقَ و اهلَهُ» (قمی، ۱۳۸۰: ۲۹۸)؛ (خدایا! ما اشتیاق به تو در دولت کریمه‌ای داریم که در آن اسلام و اهل آن عزت پیدا کنند و نفاق و اهلش خوار و ذلیل گردند)؛ و یا در «دعای ندبه» خطاب به آن حضرت می‌خوانیم:

«أین مُعزُّ الأولیاء و مُذلُّ الأعداء.....» (قمی، ۱۳۸۰: ۸۸۵)؛ (آن کسی که دوستان (خدا) را عزت می‌بخشد و دشمنان را خوار می‌سازد کجاست؟)

در مکتب تربیتی امام عصر (ع)، حفظ حرمت و عزت تربیت شونده بسیار مهم است. مربی همواره باید، جایگاه‌ها و آبروی تربیت شونده را حفظ کند. انسان دوست دارد عزیز باشد و احترام او در میان مردم و اجتماع نگاه داشته شود.

۲-۲-۴- اصل اعتدال

انسان در میان دو قطب افراط و تفریط در رفتار و سلوک اخلاقی و ملکات نفسانی، در صورتی به الگوی صحیح روحی و رفتاری دست می‌یابد که اعتدال پیشه کند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۱). هر حرکت و فعل تربیتی، باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد.

آیین تربیتی دین، به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌نماید:

« وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. »
(بقره، ۱۴۳)؛ (و این چنین شما را امتی میانه (متعادل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد).

انسان عاقل، انسانی متعادل است و به هیچ وجه از مرزهای اعتدال خارج نمی‌شود و گام در مسیر افراط و تفریط نمی‌گذارد. به بیان امیرالمؤمنین (ع)، انسان جاهل است که جز در افراط و تفریط سیر نمی‌کند؛ چنان که در «حکمت ۷۰» نهج البلاغه فرموده است:

« لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مَسْفِرًا أَوْ مَفْرَطًا. »؛ (جاهل را نمی‌بینی؛ مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط).

البته اندازه شناختن و اندازه نگه‌داشتن در تربیت، امری دشوار است و جز با خردورزی در تربیت نمی‌توان اندازه‌ها را دریافت و آن‌ها را پاس داشت و به تربیتی فطری اهتمام گماشت. انسان خردمند در هر ارتباط اجتماعی، رفتاری متعادل و دیگران را بر اساس اعتدال حرکت می‌دهد.

در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع)، که پیرو اسلام ناب محمدی (ص) است، گرایش‌ها و خواست‌های انسان‌ها تعدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که تربیت شونده از افراط و تفریط در رسیدن به خواست‌ها و غرایزش می‌پرهیزد (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «فِيخْرَجُ وَيَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ ثَقَّفَهُمْ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۳۸۴ق، ج ۵: ۳۱۱)؛ (پس خارج می‌شود و می‌کشد دشمنان خدا را، هر جا که بیابدشان و برپا می‌کند حدود الهی را و به حکم الهی حکم می‌کند).

با توجه به آیه قرآن کریم که خداوند فرموده است: « تَلَكُ حُدُودِ اللَّهِ وَ مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٌ » (سوره نساء، آیه ۱۳)؛ (همانا خداوند کسانی که حدود و احکام الهی را رعایت می کنند و در این زمینه افراط و تفریط نمی ورزند، کسانی می داند که مطیع امر خدا و رسول او هستند و سرانجامشان بهشت جاوید است). وقتی حدود الهی در جامعه اجرا شود و به حکم خدا عمل شود، اعتدال در جامعه ایجاد می شود؛ زیرا یکی از حدود الهی پرهیز از افراط و تفریط می باشد که با ظهور حضرت به طور کامل تحقق خواهد یافت. باید در نظر داشت که برای آنکه بتوان اعتدال را در جامعه اجرا کرد؛ باید در جامعه حدود الهی رعایت شود که در زمان حکومت حضرت مهدی (ع) اجرای حدود الهی به کمال خود می رسد.

۲-۲-۵- اصل رعایت تفاوت فردی

هر انسان، هر چند شباهت هایی با دیگران دارد، دارای خصوصیات جسمی، ویژگی های روانی و توانایی های مختص ذهنی، هوش و ادراکی متمایز با دیگران است که او را موجودی مستقل، تام و فردی خاص می سازد (زهره کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). ملاحظه تفاوت های فردی و اختلاف استعدادها در تربیت و سامان دادن تربیت با توجه به آن از مهم ترین اصول تربیت است. انسان ها از نظر طبیعی به هیچ روی یکسان نیستند؛ بلکه اختلاف وجودی میان همه موجودات و در مراتب وجود از لوازم عالم وجود است. انسان ها گوناگون و طور به طور آفریده شده اند و از استعدادها و ظرفیت هایی متفاوت برخوردارند که همین تفاوت و گوناگونی مایه بقا و دوام و رشد جامعه انسانی و از نشانه های قدرت و کمال خدای متعال است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۶۳ و ۱۶۴).

خداوند در «سوره نوح، آیات ۱۳-۱۴» می فرماید:

« مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً »؛ (شما را چه می شود که خدای را به بزرگی باور ندارید و حال آنکه شما را گونه گونه (در مراحل و مراتب مختلف) آفریده است).

به‌هرحال آدمیان در این ویژگی مشترک‌اند که هیچ‌یک چون دیگری نیست و هر کس در پایه و جایگاه معینی قرار گرفته و از ویژگیهای درونی و بیرونی خاصی برخوردار است و توانایی‌ها و امکانات ویژه‌ای دارد. انسان از این جهت، مشمول قانون عام و فراگیری در جهان‌شناسی اسلامی است که به‌عنوان «تقدیر» نام‌گذاری شده است (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۷۳). خداوند در «سوره حجر، آیه ۲۱» می‌فرماید:

«وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ.» (و هیچ چیز نیست مگر آنکه خزانه‌های آن در نزد ماست و آن را نازل نمی‌کنیم مگر با اندازه و مشخصات معین).

حکمت الهی چنین است که با ما به مقدار توانایی ما رفتار می‌کند و هیچ کس را بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌نماید و این اساس تربیت است. در قرآن کریم، تکلیف خواسته شده از بندگان، بستگی به وسع و ظرفیت وجودی به ایشان داشته و خداوند متعال در موارد مکرری این اصل را متذکر شده‌اند؛ همان‌طور که در سوره بقره چنین می‌خوانیم:

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وُسْعَهَا.» (بقره، ۲۸۶)؛ (خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش

تکلیف نمی‌کند).

آنچه از مفاد آیه فوق برمی‌آید، این است که تمام وظایف و تکالیفی که در قالب اقدام و دستورات خداوند بر بندگان مقرر شده؛ همه به‌اندازه توان و قدرت افراد هست و خداوند هیچ‌گاه فراتر از آن از بندگان نمی‌خواهد. در چنین مکتب انسان‌سازی، انتظارها و مسئولیت‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی تعیین می‌شود؛ هرچند در مکتب تربیتی مهدوی، بشریت با لطف امام معصوم (ع) به کمالات روحی و عقلانی دست می‌یابد (فجمع به عقولهم و اکمل به أخلاقهم) (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲: ۳۳۶)، ولی به‌هرحال، نمی‌توان همه انسان‌ها را در یک سطح قرارداد. از سویی امام عصر (ع) با توجه به توانایی و شناخت بالای یاران اصلی خویش؛ یعنی مدیران ارشد، حاکمان و قاضیان، از این گروه انتظار ویژه‌ای خواهد داشت؛ به‌گونه‌ای که انجام کارهایی را که برای انسان‌های معمولی امکان‌پذیر نیست، برای آنان لازم می‌داند.

حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «امام قائم با یارانش پیمان می‌بندد که هر مسلمانی را دشنام ندهند و حریمی را هتک نکنند و به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نکشند، طلا و نقره گنج نکنند، گندم و جو اندوخته نسازند، مال یتیمان را نخورند، لباس خز و حریر نپوشند، کمر بند زرین نبنند، گندم و جو را احتکار نکنند، در امر معاش به اندک بسنده کنند، لباس درشت (گران‌قیمت) به تن نکنند، صورت بر خاک گذارند (در حال نماز)، در راه خدا شایسته جهاد نمایند...» (منتخب الاثر به نقل از صالحی، ۱۳۸۶: ۴۶۹). البته این که تربیت باید بر اساس توانایی افراد و به تدریج صورت بگیرد، به معنای توقف در توانایی‌های پایین و حرکت نکردن و تلاش نکردن در جهت وسع بیشتر نیست؛ بلکه باید تلاش کرد که ظرف وجودی و گنجایش توانایی افراد را به تدریج افزایش داد و آنان را به سمت مقصد تربیت سوق داد.

۲-۳- روش‌های تربیت بر مبنای تفکر مهدویت چیست؟

روش‌ها عبارت‌اند از: مجموعه فعالیت‌ها و تدابیری که فرد را به اهداف معینی می‌رساند؛ به تعبیر دیگر، روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر برای عمل هستند که به ما می‌گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید کرد (اخوی، ۱۳۹۰: ۵۲).

معمولاً برای انجام دادن هر کاری به دستورالعمل و راهنمای عمل نیاز می‌شود و اصل تربیتی در جریان رسیدن به هدف، بر طرف‌کننده چنین نیازی است. تفاوت عمده اصل و روش تربیتی در این است که اصل، دامنه‌ای وسیع‌تر دارد و می‌تواند در آن واحد بر چند روش گوناگون حاکم و ناظر باشد؛ در حالی که روش تربیتی، خاص موقعیت ویژه‌ای است و متناسب با موقعیت، باید از روش‌های خاصی برای رسیدن به اهداف تربیتی بهره جست (عابدی، ۱۳۸۲: ۴۳).

در نظام و مکتب تربیتی حضرت مهدی (ع) نیز؛ همانند مکتب تربیتی اسلام، روش‌های تربیتی‌ای از متن حقایق قرآنی و وحیانی گرفته شده است که در فرآیند تعلیم و تربیت به آن توجه می‌شود. بدیهی است متصدیان تربیتی، باید چنین روش‌هایی را سرلوحه

برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند. با بررسی منابع اسلامی و کندوکاو در آیه‌ها و روایت‌های گوناگون، برخی از روش‌های تربیتی در نظام تربیتی حضرت مهدی(ع) عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- روش ابتلا و امتحان

امتحانات و ابتلائات الهی، اعم از وظایف و تکالیف و حوادثی است که اتفاق می‌افتد و همه انسان‌ها، چه مؤمن و چه کافر را دربرمی‌گیرد و وجود حادثه‌ها، آفت‌ها و بلاها در زندگی انسان‌ها حتی پیامبران الهی یک ضرورت است و بر اساس همین ابتلائات بر بندگان عذری باقی نمی‌ماند؛ زیرا پاداش و جزای الهی بر اساس استحقاقی است که بنده کسب می‌کند و خود را در مسیر هدایت یا شقاوت قرار می‌دهد (پیروزفر، ۱۳۷۸: ۹۲). خداوند در «سوره انبیا، آیه ۳۵» می‌فرماید: «وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»؛ (و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود). خداوند امتحان نمی‌کند که بهشتی واقعی و جهنمی واقعی معلوم شود؛ امتحان می‌کند و مشکلات و شداید به وجود می‌آورد تا آنکه می‌خواهد به بهشت برود، در خلال همین شداید، خود را شایسته و لایق بهشت کند و آنکه لایق نیست، سر جای خود بماند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۴۸ و ۱۴۹). در نظام تربیتی امام عصر(عج) نیز، مردم آزمایش می‌شوند تا غربال شوند؛ همان‌طور که گفته شد انسان‌ها در امتحانات، حقایق درونی خود را آشکار خواهند کرد. در مورد امتحان شدن یاوران امام عصر(عج) آمده است: ابن ابی یعفور گفته است، از حضرت صادق(ع) شنیدم که می‌فرماید: «وای بر سرکشان عرب از امری که نزدیک شده است!»، من عرض کردم. جانم به فدایت! چند نفر عرب همراه قائم(ع) خواهند بود؟ فرمود: «آنان اندک‌اند». من گفتم: به خدا سوگند، بسیاری از آنان درباره این امر سخن می‌گویند. فرمود: «مردم به ناچار باید آزمایش شده، جدا شده و غربال شوند و مردم زیادی از غربال بیرون می‌ریزند.» (کلینی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۰۳)؛ البته مربی نباید از این امر غفلت ورزد که ظرفیت متربی‌ها گوناگون می‌باشد و بر اساس آن؛ آزمایش‌ها صورت گیرد و درباره نتایج آن قضاوت کند و پاداش و کیفر کند.

۲-۳-۲- روش الگویی

انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوطلب و الگوپذیر است؛ به طوری که باید الگوهای خوب و بد برای آنان ترسیم شود. اگر با گفتار و رفتار می‌توان افراد را به راه‌های خوب رهبری کرد، با نشان دادن زندگی انسان‌های والا و پست می‌توان بصیرت افراد را بالا برد تا زندگی خود را بر طبق زندگی انسان‌های برتر تطبیق کنند و از پیروی از افراد پست جوری جویند؛ ولی هیچ چیز مانند الگو و نمونه عملی، در تربیت تأثیر ندارد (سبحانی، ۱۳۹۰: ۵۸).

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «صِفَاتِنِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحًا فَصَلَّحَتْ أُمَّتِي؛ وَ إِذَا فَسَدًا، فَسَدَتْ أُمَّتِي. [قیل: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا؟ قَالَ:] الْفُقَهَاءُ وَ الْأُمَرَاءُ.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ۶۵)؛ (دو گروه از امت من باشند که چون صالح شوند، امتم صالح شود و چون فاسد شوند، امتم فاسد شوند). [گفتند: ای رسول خدا، آنان چه کسانی‌اند؟ فرمود:] فقیهان و زمامداران). کسی که الگو می‌شود، باید در رفتار و کردار خویش مراقبت داشته باشد. امام علی (ع) در نهج البلاغه، درباره روش الگویی امام زمان (عج) می‌فرماید: «بر همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان (ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید.» (خطبه ۱۵۰). بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه‌ها، زمانی که در قالب نمونه‌ای عینی ارائه می‌شود، کاملاً ادراک و تصدیق می‌گردد. بی‌گمان تربیت عملی مؤثرتر و مفیدتر از تربیت زبانی است و به راحتی، راه، مسیر و مقصد تربیت را مشخص می‌کند.

۲-۳-۳- روش محبت

نیاز به محبت و تعلق خاطر، یکی از ابعاد روح و گرایش‌های معنوی انسان است. اینکه انسان تا سر حد ایثار و فداکاری و در راه محبوب و عشق به معشوق تلاش می‌کند و به وجد می‌آید؛ همه بیانگر این نیاز و گرایش فطری است؛ به طوری که انسان، قلباً ایثار و فداکاری و جانبازی عاشق را در راه معشوق، ارزش و افتخار می‌داند (فرهادیان، ۱۳۷۵: ۷۶).

در این زمینه قرآن، رهنمودی تربیتی می‌دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵)؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا بیش از هر چیز محبت دارند.

هیچ روشی چون روش محبت در تربیت آدمی مؤثر نیست و مفیدترین روش‌های تربیت به نیروی محبت کارایی پیدا می‌کنند. خدای سبحان، پیامبر گرامی‌اش را به روش محبت آراسته بود و آن حضرت با چنین روشی در تربیت مردمان توفیق یافت: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ.» (آل عمران، ۱۵۹)؛ پس به لطف و رحمت الهی با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی؛ هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه.

خداوند در سرشت هر موجودی، عشق ذاتی سیر به کمال خود را ایجاد کرده است و روش محبت در تربیت، بر این حقیقت وجودی استوار است؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلِّ شَيْءٍ» (اعراف، ۱۵۶)؛ و رحمت من همه چیز را فراگرفته است، و همچنین: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ.» (انعام، ۱۲)؛ پروردگارتان مهر و رحمت را بر خود مقرر کرده است.

جهان آفرینش بر اساس رحمت و محبت سامان یافته است و بدان کمال می‌یابد و پیامبر اکرم (ص) جلوه تام رحمت و محبت الهی، روش تربیتی‌اش بر رحمت و محبت استوار بود. خدای متعال آن حضرت را چنین معرفی می‌کنند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.» (انبیاء، ۱۰۷)؛ و ما تو را جز رحمتی فراوان برای جهانیان نفرستادیم.

در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع) در زمان ظهور، روش محبت یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی خواهد بود. امام علی (ع)، درباره دوران ظهور می‌فرماید: «فلا یتبرک عبداً مسلماً الا اشتراه و أعنقه و لا غارماً الا قضی دینه و لا مظلمة لأحد من الناس الا ردّها و لا یقتل منهم عبداً الا ادى ثمنه... و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و ألحق عیاله فی

العطاء...» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲: ۳۳۶)؛ مسلمانی نمی ماند مگر اینکه آن حضرت او را خریده و آزاد می کند و بدهی و قرض افراد (آسیب پذیر) را ادا می نماید و حق هر کسی را به او بازمی گرداند، دیه کشته ها را می پردازد و بدهیهای انسان های مقتول را می پردازد و خانواده های آنها را اداره و حمایت می کند.

برای تربیت نسل مهدی یاور، نباید از این روش غفلت ورزید؛ همان طور که اشاره شد، امام عصر (ع) در زمان ظهور خود مشکلات مردم را برطرف می کند و به آنان محبت می کند و این محبت، عشق و محبتی را در مرتبای نسبت به مربی ایجاد می کند که تأثیر تربیتی آن از صدها استدلال عقلی بیشتر خواهد بود. نکته ای که باید به آن توجه شود، این است که در محبت باید از افراط و تفریط پرهیز شود و معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و متناسب با سن و سال افراد باشد؛ همچنین دوستی پیامبر و اوصیای آن حضرت بهترین راه تربیت و کوتاه ترین راه اصلاح و تهذیب است. در قرآن کریم آمده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (شوری، ۲۳)؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما [بر رسالت] درخواست نمی کنم مگر دوستی نزدیکانم.

۳- نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد به بررسی اهداف، اصول و روش های تربیتی بر مبنای تفکر مهدویت پرداخته شود. نتایجی که از چنین تبیینی به دست آمد، نشان می دهد نظام تربیتی مهدوی؛ همانند دیگر نظام های تربیتی دارای اهداف، اصول و شیوه های تربیتی مشخصی است که از آموزه های قرآنی و اسلامی سرچشمه می گیرد.

اهداف تربیتی مهدویت در ارتباط انسان با خداوند متعال، ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران و ارتباط انسان با طبیعت بررسی و تبیین گردید. اصل توحید، تعقل، عزت، رعایت تفاوت های فردی، اعتدال را از اصول موجود در نظام تربیتی مهدوی، می توان به شمار آورد؛ همچنین روش های تربیت مهدوی شامل روش ابتلا و امتحان، روش الگویی، روش محبت و... هست.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که تعلیم و تربیت در جامعه منتظر، باید بر پایهٔ تعلیم و تربیت مهدوی شکل گیرد؛ یعنی خاستگاه آن الهی و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید باشد. تربیتی که بر پایهٔ تعلیم درست دینی صورت گیرد و سمت و سوی الهی و متعالی داشته باشد، به یقین تأثیرگذار و نقش‌آفرین خواهد بود. بدیهی است متصدیان تربیتی، باید چنین روش‌هایی را سرلوحهٔ برنامه‌های خود قرار دهند تا شاهد شکوفایی استعداد‌های وجودی متربیان باشند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۲- نهج البلاغه. (۱۳۸۵)، ترجمه محمد دشتی، تهران: آدینه سبز.
- ۳- احمدی، احمد (۱۳۶۸)، *اصول و روش های تربیت در اسلام*، چاپ دوم، تهران: انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۴- اخوی، اصغر (۱۳۹۰)، روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، *راه تربیت*، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۴۹-۸۲.
- ۵- آقا تهرانی، مرتضی و حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۸۹)، *خانواده و تربیت مهدوی*، تهران: اتود.
- ۶- احسانی، محمد (۱۳۹۰)، زمینه سازی تربیتی مهدویت، *ماهنامه معرفت*، سال بیستم، شماره ۱۶۰، صص ۷۳-۹۶.
- ۷- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران: مدرسه.
- ۸- بهشتی، محمد و دیگران (۱۳۸۸)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، تهران: سمت.
- ۹- بهشتی، محمد و دیگران (۱۳۸۵)، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- ۱۰- پیروز فر، سهیلا (۱۳۷۸)، ابتلا در قرآن و حدیث، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۸۹-۱۲۸.
- ۱۱- تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۸)، *فرهنگ الفبایی مهدویت موعودنامه*. قم: انتشارات میراث ماندگار.
- ۱۲- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، *سیری د تربیت اسلامی*، چاپ دهم، تهران: دریا.
- ۱۳- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۳)، *شرح نورالحکم و درر الکلم*، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- رشید پور، مجید (۱۳۸۶)، *پرورش های اخلاقی و روش های تربیتی*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

- ۱۵- زهره کاشانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۲، صص ۱۶۹-۲۰۲.
- ۱۶- سبحانی، علیرضا (۱۳۹۰)، اسوه‌ها و الگوها در قرآن، *ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال چهل و ششم، شماره ۲، پایانی ۶۰۲، صص ۵۷-۶۰.
- ۱۷- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲) *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، چاپ بیست و چهارم، تهران: امیر کبیر.
- ۱۸- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۸) *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، چاپ یازدهم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۹- شیخ صدوق (۱۳۸۸)، *الخصال*، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات فکر آوران.
- ۱۸- صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶)، مهدویت و اصول نظام تربیتی، *فصلنامه مشرق موعود*، سال اول، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۷۲.
- ۲۰- صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶)، مهدویت و اهداف نظام تربیتی، *فصلنامه مشرق موعود*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- ۲۱- صمدی، معصومه (۱۳۸۶)، مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی، *مجله علوم انسانی*، شماره ۶۶، صص ۴۷-۷۴.
- ۲۲- عابدی، لطفعلی (۱۳۸۲)، اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)، *فصلنامه مصباح*، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۴۱-۷۴.
- ۲۳- فدایی، حسن (۱۳۸۴)، *اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در تعلیم و تربیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی دانشگاه آزاد تهران (واحد مرکز).
- ۲۴- فرهادیان، رضا (۱۳۷۵)، *پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت*، قم: نشر مؤلف.
- ۲۵- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۰)، *کلیات مفاتیح‌الجنان*، چاپ چهارم، قم: انتشارات مشرقین.
- ۲۶- کلینی، محمد (۱۳۸۷)، *اصول کافی*، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات قائم آل محمد.

- ۲۷- کیانی، علی اصغر (۱۳۹۰)، تربیت نسل منتظر (بخش اول)، **نشریه پیوند**، شماره ۳۸۸، صص ۳-۶.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴ ق)، **بحارالانوار**، مکتبه الاسلامیه.
- ۲۹- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، **بیست گفتار**، تهران: صدرا.
- ۳۰- نیکوگفتار ظریف، سمیه (۱۳۸۸)، **بررسی فلسفه مهدویت و تأثیر آن بر تربیت انسان بر اساس روایات**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.